

اهمیت کاربرد

زبان خارجی

در یادگیری آن

نوشته دکتر حسین ونوقی

دانشگاه تربیت معلم

تلاش و جدیت همراه گردد، بی اثر می ماند. از این رو، در این نوشته بحث ما بیشتر پیرامون کیفیت کار برد زبان و نحوه اجرای آن در کار تدریس زبان دور می زند. ضمناً روی سخن ما با مربیان زبان در دوره های راهنمایی و دبیرستان می باشد.

بنا بر نظریه پیاژه، یادگیری نتیجه تأثیرات متقابل فرد با محیط او است که در اثر گذشت زمان (و همراه با رشد فرد) گسترش و تکامل می یابد. این نظریه کلی در مورد یادگیری زبان و در رابطه با فعالیت های محصل در محیط یادگیری (کلاس) نیز بخوبی مصداق پیدا می کند. این نوع تأثیرات همان چیز است که با اجرای تمرینات متناسب و واداشتن زبان آموز به کار برد زبان، حاصل می شود.

کار برد زبان در خلال دوران زبان آموزی به دو شکل متمایز بروز می کند. نخستین گونه آن کاربردی از زبان است که مآلاً در زبان آموز «عادات زبانی» نوینی را ایجاد می کند. این گونه کاربرد بیشتر جنبه مکانیکی و طوطی وار دارد چرا که با شیوه تقلید و حفظ کردن شروع می شود و سرانجام به عادت «باز گوئی و تکرار» می انجامد. با این وجود، عادت تکرار و بازگوئی در نخستین مرحله یادگیری زبان، عادت ضروری و پیش نیاز هر نوع یادگیری پیشرفته و کاربرد خلاقه زبان خارجی است.

This article argues – with some justifications – the importance of teaching through maximizing the use of the target language by the learners and minimizing the use of the mother tongue (as a means of instruction) by the teacher.

The teaching of reading is strongly prescribed to be preceded by the aural - oral practices and to precede any writing assignment.

اکنون ببینیم این نوع کاربرد ابتدائی و ضروری زبان را – با توجه به کتابهای درسی دوره های راهنمایی و دبیرستانی – به چه نحو باید در کلاس اجرا نمود تا نهایتاً آمادگی لازم برای کاربرد خلاقه زبان در دانش آموز بوجود آید.

بطور کلی هیچ درسی را نباید ابتدا به ساکن از روی کتاب خوانده و به زبان مادری ترجمه نمود. بلکه روش اصولی اینست که ابتدا بطور شفاهی و به شیوه شنیداری – گفتاری^۱ با زبان آموز تمرین کرد تا بازگوئی تمام درس بطور روان برای زبان آموز عادت شود. بدین منظور معلم زبان معمولاً دو دسته یاد گونه تمرین متمایز و متوالی را با دانش آموزان کلاس اجرا می نماید: نخست، تمرین به اصطلاح «گوش دادن» است که معلم با دادن دستور العمل **Only Listen!** آن را شروع می کند. هدف از این تمرین «تعلیم گوش»^۲ یا به تعبیر بهتر آموزش

در کلاسی که زبان خارجی بطور اصولی تدریس می شود، معمولاً سه نوع فرآیند عمده فراخور یکدیگر جریان می یابد که عبارتند از «تدریس»، «کاربرد» و «یادگیری» زبان. هدف تدریس زبان و کاربرد آن مستلزم فعالیتهای نظام و تلاش پی گیر از سوی معلم زبان و دانش آموزان است اما «یادگیری» فرآیند است که بطور انفعالی و در نتیجه تدریس کار آمد و کاربرد کافی زبان در محصلین به ثمر می رسد. به سخن دقیقتر، یادگیری نتیجه مستقیم موازنه دو فرآیند دیگر می باشد. فرض ما در این نوشته اینست که در دوره آموزش زبان خارجی، هر قدر زبان آموز زبان را بیشتر بکار ببرد، به همان نسبت میزان یادگیری او بیشتر می شود. و بالعکس، هر گاه معلم در فراهم ساختن این فرصت برای دانش آموز کوتاهی کند یا در دادن تمرینهای کاربردی به محصلین ناتوان و درمانده باشد، تدریس او هر چقدر هم با

Members of same (rights as men) women. Islam... Imam Khomeini... "Women... stressed... both of them... and given them... vote, the... confirms the fact... Prophet is... If an enemy attacks the... obligatory that... God. I... search... was not created... and a... A Muslim is a committed human being

He was born in Shiraz
He was known as 'Hafez'
He was known as 'Hafez'
The Social Role of Hafez, born as Mohammad Mohtasham
The Divine Law of Hafez, born as Mohammad Mohtasham
Humanity is Tested by God

از جمله‌ها در خاطر دانش آموز می‌ماند به نحوی که بعدها در موارد ضروری می‌تواند آنها را بیاد آورد و بازگو نماید. بدین ترتیب رفتارهای جدید زبانی هر درس در دانش آموز بصورت عادت تشکیل می‌شود و معلم زبان موقع را برای باز کردن کتاب و آموزش خواندن مناسب می‌یابد.

اکنون معلم از دانش آموزان می‌خواهد تا کتابهای خود را گشوده و درس مربوطه را روخوانی نمایند. در انجام این کار محصلین عادات زبانی‌ای را که در تمرینات شفاهی کسب کرده‌اند به مهارت خواندن منتقل می‌نمایند و در نتیجه می‌توانند به راحتی از عهده خواندن بر آیند. چنانچه عادت شنیداری - گفتاری پیش از خواندن (یعنی عادات دیداری گفتاری) در دانش آموز تشکیل نشده باشد، این خطر حتمی همواره وجود دارد که تلفظ هر واژه یا عبارت را بر اساس صورت املاتی آن حدس بزنند و بطور نادرست به ذهن خود بگیرند. در اینصورت شمار زیادی از اشتباهات تلفظی در او بوجود می‌آید و بطور دائمی در زبان او باقی می‌ماند.

در هر حال روش شنیداری - گفتاری به منظور تشکیل عادت باید در دبیرستان هم ادامه یابد. نوارهای درسی و آزمایشگاه زبان نیز می‌تواند در پرورش این گونه عادهای زبانی تأثیر بسزائی داشته باشد. اکنون به بررسی دومین نوع از کاربرد زبان می‌پردازیم. اگر زبان آموز به کاربردهای تقلیدی زبان خارجی خوب عادت کند که زبان آموز زبان خارجی را یاد گرفته که بتواند آن را به عنوان یک ابزار ارتباطی بکار برد و در مورد موضوعات و مطالب عادی روزمره به آن زبان صحبت کند و برای رفع نیازهای فوری، آن را در خدمت خود در آورد. برای رسیدن بدین مقصود، زبان آموز نمی‌تواند صرفاً مشتق جمله‌ها و عبارت تقلیدی را که قبلاً بخاطر سپرده یکی یکی انتخاب و بازگو نماید. بلکه باید بتواند بطور خلاق از ذخیره زبانی خود استفاده

شنوائی است. در این تمرین معلم زبان جمله‌های درس را یکی یکی برای محصلین می‌خواند تا گوش آنان با جملات درس و همچنین واژه‌ها و عبارات نو آشنا گردد و تلفظ و آهنگ جمله را به بروشنی تمیز دهند. این مرحله چنانچه با کفایت و آمادگی لازم انجام شود حدوداً بیش از پنج دقیقه از وقت کلاس را نخواهد گرفت. معلم بیش از شروع به خواندن جمله‌ها یا در خلال آنها واژه‌ها و عبارات جدید درس را برای تأکید بیشتر چندین بار تکرار می‌کند. اگر این تمرین با مصادیق عینی و تصاویر همراه گردد، موجب مسی شود آنچه را که محصلین می‌شنوند با مفهوم و معنادار باشد و انگیزش زیادی برای یادگیری در آنها بوجود آید. این شیوه را به اصطلاح «فحوا دادن» به عناصر زبانی می‌نامند. از سوی دیگر اکثر درسهای کتاب تصاویر یا مضامینی را در بر دارند که بخوبی با موقعیت کلاس یا با نشان دادن اشیاء موجود در کلاس «فحوا دادنی» هستند. حال این بهمه معلم زبان است که با تکیه بر تجربه و ابتکار خود از این شیوه بهره برداری موثر را بنماید.

دومین نوع تمرین، تمرین تکرار و بازگویی جملات درس و عبارات جدید آن است که با دادن دستور العمل **Repeat after me!** شروع می‌شود. در این تمرین اصولاً معلم زبان همچنان از محصلین می‌خواهد که کتاب را بسته نگاه دارند و تنها آنچه را که او می‌گوید تقلید و تکرار نمایند، آنگاه کلمه جملات درس و واژه‌ها و عبارات تازه را یکی یکی برای دانش آموزان می‌خواند تا بطور گروهی عین آنها را بازگو کنند. این تمرین رفته رفته و به مقتضای نوع متن بصورت نیم گروهی، دو نفره و تک نفره ادامه می‌یابد. هر چقدر تعداد دفعات تکرار بیشتر باشد، عادت زبانی تازه بطور پایاتری در محصل شکل می‌گیرد. اما به هر حال باید توجه داشت که تکرار بیش از حد موجب ملالت و خستگی محصلین می‌گردد. این قبیل تمرینات کار بردی به فرآیند «تقلید و حفظ کردن» معروف است، چرا که در اثر تکرار زیاد بسیاری

کند و با استفاده از قواعد و واژگان زبان هر چه را که می‌خواهد بگوید بصورت خلق الساعه^۱ تولید نماید. لذا گفته‌ها و جمله‌های او در هر موقعیت تازه بطور بدیع و جدید خلق می‌گردند و بهیچ رو تکرار جمله‌های از پیش گفته شده یا شنیده شده نمی‌باشند.

این گونه کاربرد زبان را کاربرد خلاقه و ارادی می‌نامند و حداقل مهارت‌ست که انتظار می‌رود تا پایان هر برنامه آموزشی زبان در زبان آموز بوجود آید. اگر چنین مهارتی کسب نگردد و زبان آموز از حد جمله‌های حفظی و تکراری فراتر نرود، زبانی را یاد نگرفته و یادگیری به مرحله واقعی نرسیده است.

اگر بگوئیم اکثر زبان آموزان ما، در نتیجه روشهای تدریس سنتی و مرسوم در مدارس راهنمایی و دبیرستان حتی از ابتدائی‌ترین فرصت‌های کاربردی زبان محروم می‌مانند، سخنی بگزارف نگفته‌ایم. به جرأت می‌توان ادعا کرد که در اکثر مدارس دانش آموزان حتی رفتارهای مکانیکی و تقلیدی را نیز کسب نمی‌کنند و این قبیل زبان آموختگان (با به سخن دقیقتر، زبان نیاموختگان) حتی برای رفع نیاز از بیان یک جمله پرسشی ساده به زبان خارجی عاجزند، حال آنکه از نکات دستوری اطلاعات وسیعی دارند و بطور کتبی می‌توانند از عهده مجهول کردن، به نقل قول غیر مستقیم تبدیل کردن یا نوشتن انواع جمله شرطی برآیند. علت این ناتوانی‌ها اینست که معلمین زبان تدریس خود را با «کاربرد» زبان همراه نمی‌سازند و مهارت‌های مکانیکی و تقلیدی را به اندازه کافی یا اصلاً در دانش آموزان ایجاد نمی‌کنند. در ثانی تمام کارهای آموزشی زبان خارجه را به زبان مادری دانش آموز انجام می‌دهند: چه در تدریس دستور و چه در ترجمه متون کتاب برای درک مفهوم. گوئی کاربرد زبان انگلیسی در کلاس زبان هیچ جایی ندارد و به مثابه درس فیزیک است که فقط باید درباره موضوع آن زبان فارسی بحث کرد. درین صورت چگونه می‌توان انتظار داشت که زبان آموز زبان خارجی را به صورت یک مهارت عملی فراگیرد؟ اکنون بار دیگر به موضوع «کاربرد خلاقه» زبان بازمی‌گردیم و اینکه اگر زبان آموز فرضاً از عادت‌های زبانی تقلیدی و تکراری برخوردار شده باشد و این مرحله را با موفقیت پشت سر گذاشته باشد، چگونه می‌توانیم او را به سوی کاربرد خلاقه زبان هدایت کنیم. برای نیل به این هدف، نخست باید از یک انگیزش قوی استفاده نمود. بهترین انگیزش، «انگیزش ابزاری»^۲ است و آن موقعی عمل می‌کند که دانش آموز نیاز آتی به کاربرد زبان هدف پیدا می‌کند و برای رفع این نیاز مجبور به استفاده و کاربرد زبان خارجی می‌گردد. برای این کار لازم است که معلم زبان کاربرد زبان مادری را در کلاس به حداقل برساند و تنها در موارد بسیار نادر و ضروری و برای بیان برخی اصطلاحات یا توضیح برخی ساختهای پیچیده دستوری، آن را بکار

گیرد، و کاری کند که زبان خارجی را هم ابزار آموزش و هم هدف آموزش قرار دهد. در چنین شرایطی است که دانش آموز خواه ناخواه خود را نیازمند به کاربرد زبان هدف می‌بیند و بر اساس آن می‌کوشد تا آن را بکار گیرد. در این مرحله تمرینات کنترل شده^۳ برای او می‌تواند کمک بسیار مؤثری باشد اما می‌توان رفته رفته عناصر کنترل کننده تمرینها را تقلیل داد تا در آنها جنبه خلاقه و تولیدی افزایش یابد.

تمرینهای چند گزینه‌ای،^۴ تکمیلی،^۵ تأویلی،^۶ جایگزینی^۷ و جانشینی^۸ همگی تمرینهای راهنمایی شده یا کنترل شده‌ای هستند که هر کدام (بجز تمرین چند گزینه‌ای) می‌توانند جنبه‌هایی از انشاء و خلاقیت داشته باشند بشرطی که همگی بطور شفاهی، سریع و بدون نگاه کردن به کتاب در کلاس تمرین شوند و تنها پس از اینکه زبان آموزان بر کاربرد عملی و شفاهی آنها تسلط یافتند از آنان خواسته شود که به عنوان تکلیف کتبی آنها را در خانه و بطور انفرادی نیز انجام دهند تا مهارت گفتاری خود را به شکل نوشتار منتقل سازند.

در مراحل پیشرفته‌تر می‌توان از دانش آموزان خواست که خلاصه درس کتاب را برای کلاس به زبان خارجی بیان کنند، یا داستانی شبیه یا مربوط به درس را تعریف نمایند یا راجع به موضوع تعیین شده و مورد علاقه خود سخنرانی کوتاهی ایراد نمایند، و یاد در بحث آزاد که در کلاس ترتیب داده می‌شود و موضوع آن قبلاً معلوم شده شرکت جویند. تمام این گونه فعالیت‌های کلاس دارای جنبه کاربردی قوی است و می‌تواند در رساندن دانش آموز به کاربرد عملی و خلاقه زبان کمک مؤثری بنماید.

هدف نهائی از یک دوره آموزش زبان خارجی اینست که زبان آموز دست کم به همان مهارتی دست یابد که کودک ۶-۵ ساله در زبان مادری خود کسب می‌کند. کودک شش ساله بر زبان مادری خود آقدر تسلط می‌یابد که می‌تواند از آن برای برقراری ارتباط با اطرافیان و رفع نیازهای آتی خویش استفاده مؤثر بنماید. اما برآستی کودک چگونه بر این حد از مهارت زبان دست می‌یابد؟ بی‌مناسبت نیست که در این مورد نظر ویلکینز Wilkins را که یکی از صاحب نظران آموزش زبان خارجی است ملاحظه کنیم:

در فراگیری زبان مادری... هیچ تمایزی بین فعالیت‌های کاربردی زبان و فعالیت‌های یادگیری زبان وجود ندارد. چه تمام کوششهای زبان آموزی کودک عین کاربرد زبانست، یعنی کودک در جریان کاربرد زبان، عمل فراگیری را هم انجام می‌دهد. (۱۹۷۴ ص ۸۳)

ویلکینز معتقد است برای اینکه بتوانیم کار زبان آموزی را بطور مؤثر و موفقیت آمیز بانجام برسانیم، حتی الامکان باید شرایط یادگیری را به شرایط کاربرد زبان نزدیک سازیم. این عقیده مهمترین خط مشی بقیه در صفحه ۳۱

نقشه کاربرد زبان خارجی در یادگیری

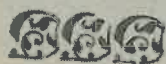
آموزش زبان خارجی را برای معلمان زبان خارجی مشخص می‌نماید. هرچه زبان آموزان بیشتر به فعالیت کاربردی و اجرایی تمرینات عملی زبان وارد شوند و هرچه بیشتر معلمان زبان از روش تدریس سنتی (روش دستوری - ترجمه‌ای) و استفاده از زبان مادری بکاهد، مسلماً بر میزان یادگیری و تسلط دانش آموز بر مهارت عملی زبان هدف افزوده خواهد شد و دوره آموزش زبان خارجی با موفقیت به انجام خواهد رسید.

یادداشت

- 1) interactions
- 2) mimicry and memorization (min-men)
- 3) aural-oral method
- 4) contextualization
- 5) repertoire
- 6) spontaneous generation
- 7) instrumental motivation.
- 8) controlled drills
- 9) multiple-choice drills.
- 10) completion drills
- 11) transformation drills.
- 12) substitution drills
- 13) replacement drills.

کتابنامه

- 1) Chastain, Kenneth: The Development of Modern Language Skills The Center for Curriculum Development, Inc. 1971.
- 2) Dubin, F. & Olshtain, E. Facilitating Language Learning McGraw-Hill 1977
- 3) Finocchiaro & Bonomo; The Foreign Language Learner Regent Publishing Company, Inc. 1973
- 4) Rivers, Wilga; Teaching Foreign-Language Skills U. of Chicago Press 1968
- 5) Wilkins, D. A. Second-language Learning And Teaching Edward Arnold 1944



5. It contains sugar.
6. It belongs to me.
7. It doesn't matter.
8. He deserves something better.
9. It consists of little but water and colouring.
10. It pleases me no end.
11. It depends on what you mean.
12. I own my own house.

گروه افعال خصوصی

(Private Verbs)

Palmer این گروه افعال را "Private" می‌نامد چون به نظر او، این افعال تنها با احساسات و تفکرات متکلم وابسته هستند و تنها اوار مفهوم آنها اطلاع دارد. عمده افعال این گروه عبارتند از:

- see , smell , hear , taste ,
feel , think , imagine , hope
plan , forget , believe
13. I smell something burning.
 14. I hear music.
 15. I feel something hard.
 16. I taste salt.
 17. I think that is mine.
 18. I imagine he will be there.
 19. I hope it is true.
 20. I plan to go to London.

4. Mettez au passé composé.

- Nos camarades (partir) ce matin pour la France; ils (s'embarquer) une demi-heure avant le départ.
- Hélène et Denise (s'apercevoir) de loin; elles (se faire) des signes de la main; puis elles (s'embrasser) et (se mettre) à parler. Elles (se raconter) beaucoup d'histoires et (se montrer) des photographies.

5. Mettez au passé composé.

- Martine se demande pourquoi on la punit.
- Soudain la porte s'ouvre et trois personnes se dirigent vers la rue.

Les pronoms démonstratifs

I. Complétez avec L'adjectif ou le pronom démonstratifs

- Quel menu prendrez-vous?.... est le meilleur, mais il est plus cher que.....
- Vous avez oublié vos chaussures noires? Eh bien, mettez.... puisque..... est votre pointure.
- Voulez-vous..... livres-ci ou préférez-vous.....?
- Est-.... votre auto qui est devant la porte? - Non,.... est.... de Paul.
- L'avenir appartient à.... qui osent prendre des risques.
- auto est..... de notre voisin.
- Le professeur ne comprend pas..... que.... étudiant a voulu dire.
- Prenez.... que vous voudrez.
- Irnous a rapporté..... disques, mais il a gardé..... de mon frère.
- Les invités apporteront des fleurs,..... se fait généralement..... est une bonne habitude..... fait toujours plaisir.

2. Complétez avec les pronoms démonstratifs.

- Ouvrez cette fenêtre. Non, pas celle-ci mais,.....

- Prenez ce stylo. Non, pas....., mais sur.....
- Parlez à ces étudiants. Non, pas à....., mais à.....
- Achetez ces maisons. Non, pas....., mais.....
- Louez cet appartement. Non, pas..... mais.....
- Apprenez ces leçons. Non, pas....., mais.....
- Visitez cette école. Non, pas....., mais.....

3. Les pronoms possessifs

Transformez chaque phrase en employant un pronom possessif.

Modèle; voici vos livres et voici mes livres.

Voici vos livres et voici les miens.

- Comme j'ai trouvé mon dictionnaire, je te rapporte ton dictionnaire.
- Parvin avait invité ses amies et Simine ses amies.
- Je crois que mon idée est meilleure que ton idée.
- Nos voisins sont plus sympathiques que leurs voisins.
- Ce n'est pas ma voiture, c'est sa voiture à lui.
- Vous avez votre plan, mais j'ai mon plan et je suis sûr qu'il vaut votre plan.

4. Répondez aux questions selon le modèle.

Modèle: a) C'est votre professeur, messieurs?

Non, ce n'est pas le nôtre.

b) Ce sont vos verres?

Non, ce ne sont pas les nôtres.

- Cette pièce, c'est votre salle de classe, mesdemoiselles?
- Ce monsieur, c'est votre épicière, mesdames?
- Cette dame, c'est votre mère, Zohrè et Sima?
- Les enfants, ce sont vos jouets?
- C'est la maison de votre voisin?
- C'est le fils de ton cousin?
- Ce sont les lettres de vos enfants?
- C'est le patron de ces employés?

